

(۱۱) روایت تفسیر عیاشی:

«وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ: كُنْتُ أُطِيلُ الْقُعُودَ فِي الْمَخْرَجِ - لِأَسْمَعَ غِنَاءَ بَعْضِ الْجِيرَانِ قَالَ - فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لِي يَا حَسَنُ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ - كُلُّ أَوْلَيْكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا - السَّمْعُ وَمَا وَعَى - وَالْبَصَرُ وَمَا رَأَى - وَالْفُؤَادُ وَمَا عَقَدَ عَلَيْهِ.»^۱

توضیح: [وعی: شنیدن]

ما می گوئیم: چون معلوم نیست غنای همسایه ها چگونه بوده است، مطلقاً غنا را نمی توان مشمول حکم دانست؛ ضمن اینکه ممکن است حکم امام به جهت استماع بی اجازه بوده باشد، اصف الی ذلك آنکه تعبیر حضرت با حکم اخلاقی و کراهت هم سازگار است.

(۱۲) روایت ارشاد القلوب:

«الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الدَّيْلَمِيُّ فِي الْإِرْشَادِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَظْهَرُ فِي أُمَّتِي الْخَسْفُ وَالْقَذْفُ قَالُوا مَتَى ذَلِكَ - قَالَ إِذَا ظَهَرَتِ الْمَعَازِفُ وَالْقَيْنَاتُ - وَشَرِبَتِ الْخُمُورُ - وَاللَّهُ لَيَبِيْتَنَّ أَنْاسٌ مِنْ أُمَّتِي - عَلَى أَشْرٍ وَبَطْرٍ وَلَعِبٍ - فَيُصْبِحُونَ قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ لَأَسْتَحِلَّاهُمْ الْحَرَامَ - وَاتَّخَذَهُمُ الْقَيْنَاتُ وَشَرِبَهُمُ الْخُمُورَ - وَأَكَلَهُمُ الرَّبَّاءَ - وَلَبَسَهُمُ الْحَرِيرَ.»^۲

توضیح:

۱. خسف: فرو رفتن در زمین / دریدن.

قذف: نسبت ناروا دادن / دشنام دادن.

يَبِيْتَنَّ: شب را به صبح می برد.

اشر: متکبر / بطر: گردن کش از حق

ما می گوئیم: صدر این روایت بهترین شاهد است بر اینکه غنا در همراهی با شرب خمر (مجالس فسق) موجب حرمت است. اما ذیل روایت می تواند «اتخاذ کنیز خواننده» را به تنهایی هم حرام کند. ولی چنانکه گفته ایم، این امر به طور متداول در محضر نامحرم بوده است.

۱. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۱۰.

۲. همان، ص ۳۱۱.



۱۳) نبوی ارشاد القلوب:

«قَالَ وَقَالَ ص إِذَا عَمِلْتُ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهِمُ الْبَلَاءُ - إِذَا كَانَ الْفِيءُ دَوْلًا - وَالْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَالصَّدَقَةُ مَغْرَمًا - وَأَطَاعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ - وَعَصَى أُمَّهُ وَبَرَّ صَدِيقَهُ - وَجَفَا أَبَاهُ - وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ - وَأَكْرَمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ - وَكَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ - وَلَبَسُوا الْحَرِيرَ - وَاتَّخَذُوا الْقَيْنَاتِ وَالْمَعَازِفَ - وَشَرِبُوا الْخُمُورَ وَكَثُرَ الزُّنَا - فَارْتَقَبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرَاءَ - وَحَسَنًا أَوْ مَسْخًا - وَظَهَرَ الْعَدُوُّ عَلَيْكُمْ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ.»^۱

ما می گوئیم:

۱. فیء: خراج مسلمین، دَوْل: نوبت در غنیمت
۲. مغرم: تاراج
۳. برّ صدیقه و جفا ابا: دوستش را خوبی می کند و پدرش را بدی
۴. اکرم...: انسان را به خاطر ترس از شرش احترام می کنند.
۵. خسف: شاید کنایه از زلزله

ما می گوئیم:

اولاً: فزاینده‌هایی از این امور پانزده گانه، حرام نیست مثل ارتفاع صوت در مسجد و یا اکرام از ترس شر. (الا اینکه عنوان دیگری را در برداشته باشد)
ثانیاً: آنچه از آن نهی شده است، غنای کنیزکان است.

۱۴) روایت علی بن جعفر:

«عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَعَمَّدُ الْغِنَاءَ يُجَلْسُ إِلَيْهِ قَالَ لَأ.»^۲

توضیح: تعمد: عمدی بودن غنا.

ما می گوئیم: با توجه با شأن و جایگاه علی بن جعفر، اصل روایت بر اینکه این کار با شأن اهل بیت



۱. همان.

۲. همان، ص ۳۱۲.



سازگار نبوده است قابل فرض است

جمع بندی:

۱. در میان روایات، دلالت هیچ کدام از روایات بر حرمت استماع غنا به طور مطلق قابل قبول نیست.
 ۲. البته در میان آنها روایاتی که دال بر حرمت غنای کنیز بر مردان و غنای در قرآن باشد، موجود است.
۲. اینکه در میان روایات، غنا از نفاق (یک دهم نفاق یا آشیانه نفاق و یا آغشته به نفاق) دانسته شده است، محتاج تأمل در معنای نفاق است، ابتدا اشاره کنیم که اگر روایت را «عُشُّ النِّفَاقِ» خواندیم، ممکن است بگوئیم اشاره حضرت به آن باشد که در قرآن می فرماید: «الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»^۱ و لذا غنا همان درک اسفل است که نفاق در آن آشیانه دارد.^۲
- حال: چرا در میان همه گناهان، نفاق با غنا پیوند یافته است؟:

در قرآن و کلمات معصومین برای منافقین صفات بسیاری قرار داده شده است، شاید اصلی ترین آن دروغ و دورویی باشد که باعث صفات دیگر هم می شود ولی به نظر می رسد، نزدیک ترین این صفات به بحث غنا، چند مطلبی باشد که به عنوان صفت منافقین در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است.

در قرآن یکی از صفات مهم منافقین، خدعه گری دانسته شده است. به این معنی که خود را به گونه ای آراسته می کردند که باطن مطلب به سبب ظاهر، مخفی بماند.

«وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مَسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»^۳

«و چون آنان را ببینی هیکلهایشان تو را به تعجب وا می دارد و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می دهی گویی آنان شمعک‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند] هر فریادی را به زیان خویش می پندارند خودشان دشمنند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته اند»

۱. نساء، ۱۴۵.

۲. ن ک: کشف الغطاء عن حال الغناء سید عبدالکریم موسوی خراسی.

۳. منافقون، ۴.





چنانکه روشن است این صفت که باطن سخن باطل در ظاهر آراسته مخفی بماند، از ویژگی های نفاق است، و این امر در غنای آن روزگار به وضوح دیده می شده است. چنانکه خواندیم، شیخ طوسی در تفسیر لهُو الحدیث، اشاره کردند که در روزگار پیامبر برای جلوگیری از اقبال مردم به قرآن، گروه هایی مطالب و افسانه ها و داستانهای ملل دیگر را به میان اعراب بده بودند و در مقابل پیامبر که قرآن را ارائه می کردند، آن سخنان را با آوزاها القا می کردند این مطلب که نوعی خدعه بوده است در آیات دیگر قرآن هم به عنوان صفات منافقین برشمرده است.

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ»^۱

پس توجه به اینکه خوش زبانی و زیبایی ادای کلمات، مخصوصاً با صوت خوش می تواند بطلان مضمون را مخفی کند، باعث شد تا غنا نفاق دانسته شود و یا به تعبیر زیبا «آشیا نفاق» (عُش النفاق) خوانده شود، چنانکه مضمون دروغ در این خانه، بطلان خود را می پوشاند، در آیه ۲۰۴ سوره بقره می خوانیم:

«مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ»^۲

«و از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان، در زندگی دنیا مایه اعجاب تو می شود، (در ظاهر، اظهار محبت شدید می کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می گیرند. (این در حالی است که) آنان، سرسختترین دشمنانند.»

۱. نساء، ۱۴۲.

۲. بقره، ۲۰۴.

